

اکنون باید اعتراف کرد!؟



امروز یکشنبه مؤرخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۹ آژانس خبری آلمان (دی پی ای) بعد از تأیید مقامات مسؤول وزارت دفاع آلمان افشأ کرد که در اخير همين هفته هليكوپتر حامل آقای کارل- تئودور سوو گوتنبيرگ وزير دفاع آلمان مورد اصابت مرميهای سلاح ثقیل قوای پیاده قرار گرفته است.

نظربه گزارشات امروزین «فرانکفورتر الگیمینی زونتاک سایتونگ» و «بیلد ام زونتاک» این واقعه زمانی صورت پذیرفت که سه هلیکوپتر نوع (سی اچ ۵۳) که یکی آن حامل وزیر دفاع آلمان و آقای وولفگانگ شنايدرهان فرمانده نیروهای مسلح (لوی درستیز) آلمان بود، مورد اصابت مرميهای سلاح ثقیل پیاده قرار گرفته است. درین حادثه کدام تلفات جانی نبوده، ولی درمورد خسارات وارده به طیارات نیز توضیحاتی ارایه نشده است. این حادثه زمانی به وقوع پیوست که این سه بال هلیکوپتر از کندز به صوب ترمز در پرواز بودند. با وجود حمله فوق هلیکوپترها با سرنشینان شان در ترمز نشست کردند.

نخست وزیر آلمان خانم انگیلا میرکل برای اولین بار اعتراف به "اوضاع شبه جنگ" در افغانستان کرد.

طوری‌که مشاهده می‌کنیم شیوه "واقعیت‌گرایی" در احزاب سیاسی برسر اقتدار آلمان گرچه به کندی، اما رهگشایی میکند.

بیائید! خانم میرکل که با هم قضاوت عادلانه کنیم. اگر حادثه اخیر صورت نمی‌پذیرفت، شما هنوز هم به همین نظر ادامه میدادید که در افغانستان جنگ وجود ندارد. همه جهان از جنگ، برخورد های نظامی، زد و خوردهای مسلحانه، جنگهای تن به تن و بالاخره آنچه در قاموس جوامع مدنی نام آن جنگ است، صحبت میکنند. ۴۳ کشور دنیا عملاً در عملیتهای نظامی به گونه مسلحانه در افغانستان شرکت دارند. تعدادی از این کشورها به طور دائمی در برخورد های نظامی کشته میدهند که آلمان نیز در قطار آنان رقم درستی از کشته شده گان را دارد. در افغانستان از کشته های افغان پشته ها ساخته شد. ولی برای شما این همه واقعیت های عینی مفهوم جنگ را نداشت؟

من که طرفدار موجودیت قطعات نظامی بیگانه در افغانستان نیستم و اخراج آنان را تحت شرایط معین از افغانستان مطالبه میکنم، به هیچ وجه طرفدار کشته شدن اتباع ملکی، یک سرباز، یک افسر و یا کدام سیاستمداری نیستم. به شما اذهان میدارم که چهار سال قبل وضعی را که اکنون واقعیت است از نام اتحادیه فرهنگی افغانها در ایالت شلیزویگ هولشتین آلمان به آقایون وزرای داخله و دفاع وقت هر یک دکتور شوپیلی و دکتور یوونگ وسیله شده و گفته بودیم که امریکاییها شما را رفته رفته درین جنگ کاملاً عیار تداخل سریع میدهند و آن خوشبینی را که افغانها نسبت به آلمانها دارند خدشه دار ساخته، زیر سوال می‌برند و بالاخره آن را به خصومت رهنمون میشوند. امروز این دیگر یک واقعیت انکار ناپذیر است. اگر شما وضع افغانستان را جنگ و یا شبه جنگ بررسی میکنید، کدام تغییر محسوسی وارد نمی‌آورد.

طوری‌که دیده میشود اوضاع در تمام افغانستان و به صورت اخص بعد از شایعه ایکه به واقعیت پیوست و سر و صداهایی را حتی در حلقات تاریک اندیش دولتواره افغانستان وسیله شد و عبارت از انتقال طالبان با هلیکوپترها به ولایت کندز بود، تغییر فاحش یافته است. ساختارهای قبلی نظامی که مناطق برای هر یک از کشورها اختصاص داده شده بود، دیگر رعایت نمیشود.

درین زمینه مصداق این ادعا به قول اشیگل انلاین همانا در آغاز ماه نوامبر عملیات پنج روزه نیروهای تعرض سریع ایالات متحده از طریق زمین و هوا در حومه شهر و بخشهایی از ولایت کندز میباشد که در اثر آن 133 نفر جانهای شان را از دست دادند و تعداد زیادی جراحت برداشتند. این عملیات در چوکات برنامه به اصطلاح "عملیات به خاطر تحکیم صلح" انجام پذیرفت که ایساف در آن هیچ نقشی را نداشت. طبق گزارش اسوشیدپرس درین عملیات قطعات افغانی و همدستان نزدیک ناتوی ایالات متحده آمریکا نیز شرکت داشتند.

روز سه شنبه آینده در بروسل روی تأمین کمکهای انکشافی برای بازسازی افغانستان در مقر اتحادیه اروپا شور و بحث هایی در نظر گرفته شده که البته بازهم مقادیر زیادی از اسعار به طرف افغانستان سرازیر شده ولی تغییری در وضع مردم رونما نمیگردد. آن دموکراسیی که اتحادیه اروپا در افغانستان در پی جستجوی آن است ممکن چندین دهه را در برگیرد و نتیجه یی به بار نیاورد. بهتر است به بهبود وضع اقتصادی - اجتماعی توجه کرد تا مردم بلاکشیده افغانستان را ازین تهیدستی و وضع فلاکتبار نجات داد.

<http://www.faz.net/s/RubFC06D389EE76479E9E76425072B196C3/Doc--E313F059A86DF4558B76BFD576F9FE9F1-ATpl-Ecommon-Sccontent.html>